

طلاق از جنس چینی

کد مطلب: ۳۹۱۳ - تاریخ انتشار: یکشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۵۰

امیر فیروزی راد

بدون شک طلاق در کشوری باجمعیت یک میلیارد و سیصد میلیون نفری بسیار متفاوت‌تر از کشورهای دیگری است که جمعیت‌شان بسیار کمتر از این عدد است. در این مطلب به طلاق در کشور چین پرداخته‌ایم که به دلیلی که اشاره کردیم جذابیت‌های بسیاری برای مطالعه دارد.

نام چین (China) لغتی است فارسی که مارکوپولو، سیاح اروپایی، آن را جهانی کرد. زندگی انسان در محدوده جغرافیایی چین بازمی‌گردد به میلیون‌ها سال پیش، اما اولین حکومت متحد در این گستره جغرافیایی، در سال ۲۲۱ پیش از میلاد مسیح و توسط کین‌شی هوانگ تأسیس شد. این کشور در حال حاضر، پس از آمریکا دومین اقتصاد بزرگ جهان است. مسئله طلاق نیز در چین، طی قرن‌ها تحت تأثیر فرهنگ فئودالی و سنتی این کشور بود و حتی انقلاب و انقلاب فرهنگی کمونیست‌ها هم نتوانسته بود تغییر چندانی در آن ایجاد کند. این ضرب‌المثل قدیمی چینی، مختصات آن فرهنگ را به‌خوبی نشان می‌دهد: «تو متأهل خواهی ماند، تا وقتی که موهایت سفید شود». در چین قدیم، طلاق و ازدواج مجدد برای مردان تا حدودی پذیرفتنی بود، اما جامعه به زنی که طلاق گرفته بود یا بدتر از آن می‌خواست دوباره ازدواج کند، به چشم حقارت نگاه می‌کرد. اما حالا فرهنگ جامعه درخصوص مسئله طلاق دستخوش تغییرات شده و حالا به‌جای ضرب‌المثلی که ازدواج را تعهدی تا پای مرگ می‌دانست، ضرب‌المثلی جدید باب شده که زوج‌های جوان صبح ازدواج می‌کنند، ظهر دعوا و عصر طلاق می‌گیرند.»

آمار طلاق

در سال ۲۰۱۰ در چین، روزانه حدود ۴۵۰۰ زوج از هم طلاق گرفته‌اند و رقم کلی طلاق در این سال به بیش از ۴۶/۲ میلیون زوج رسید. این رقم از سال ۲۰۰۱ تاکنون تقریباً دوبرابر شده است. این نرخ طلاق که از هر پنج ازدواج یک طلاق را نشان می‌دهد، یک رکورد تاریخی در چین محسوب می‌شود. از زمان آغاز پروژه تبدیل اقتصاد چین به یک اقتصاد سرمایه‌داری و از اوایل دهه ۸۰ میلادی تاکنون، نرخ طلاق در این کشور چهار برابر شده است و از ۴/۰ در هر هزار نفر در سال ۱۹۸۵، به ۸۵/۱ نفر در هر هزار نفر در سال ۲۰۰۹ رسیده است. البته این رقم هنوز از نرخ ۸/۲ نفر بریتانیا (بالاترین نرخ طلاق در اتحادیه اروپا) بسیار پایین‌تر است. براساس آمار اداره امور مدنی، آمار طلاق در سه دهه اخیر به‌طور مرتب رشد داشته است. ۷۱/۱ میلیون زوج در سال ۲۰۰۹ از یکدیگر جدا شده‌اند که نسبت به سال ۲۰۰۸ رشدی ۳/۱۰ درصدی داشته است، درحالی‌که در همین فاصله زمانی، آمار ازدواج ۱/۹ درصد رشد داشته است. در سال ۲۰۰۹، تعداد ازدواج‌ها با کاهش نسبت به سال قبل، به ۴۶/۱۱ میلیون مورد ازدواج رسیده است. آمار اداره امور مدنی نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۰ طلاق‌ها ۳۴۱ هزار مورد، در ۱۹۹۰ طلاق‌ها ۸۰۰ هزار مورد، در ۲۰۰۰ طلاق‌ها ۲۱/۱ میلیون مورد، در ۲۰۰۳ طلاق‌ها ۳۳/۱ میلیون مورد، در ۲۰۰۶ طلاق‌ها ۱۹/۱ میلیون مورد و در ۲۰۰۸ طلاق‌ها ۵۵/۱ میلیون مورد بوده است. در مجموع، نرخ طلاق در شهرهای چین بیش از روستاهاست. برای نمونه، نرخ طلاق در سال ۲۰۰۵ در شهر پکن حدود ۵۰ درصد بوده است؛ یعنی رقمی برابر نرخ طلاق امروزه در کشور آمریکا. درحالی‌که این آمار در کل کشور چین در حدود نصف این رقم بود. البته طلاق در جوامع روستایی هم شاهد رشد روزافزونی است و این پدیده به‌خصوص در میان کارگران مهاجر از روستاها دیده می‌شود؛ کارگرانی که به‌دلیل شرایط کاری و دوری مسافت، تنها می‌توانند سالی یک‌بار به دیدن خانواده‌های خود بیایند.

رشد آمار طلاق را می‌توان به رشد ارتباطات اجتماعی، برخی تأثیرات منفی رشد سریع اقتصادی بر ارزش‌های انسان‌ها و تغییر در دیدگاه زنان ربط داد. در چین قدیم، ازدواج نوعی قرارداد اقتصادی نیز بود که براساس آن زن برای ادامه زندگی از نظر اقتصادی به همسر خود وابسته می‌شد، اما در چین امروز زنان از نظر اقتصادی و اجتماعی در شرایط بهتری قرار دارند. این تغییرات ازدواج را به یک رابطه خوشایند دوطرفه تبدیل کرده است.



البته رشد آمار طلاق در کشور چین تنها به دلیل تغییرات تحول اقتصادی و اجتماعی نیست و تغییراتی که در قانون طلاق در سال ۲۰۰۳ روی داد و پروسه طلاق را آسان تر کرد، در این زمینه بسیار تأثیرگذار بوده است. تا پیش از این تغییر قانون، زوج‌هایی که به دنبال طلاق گرفتن از یکدیگر بودند، می‌بایستی از واحدهایی که در آن کار می‌کردند یا از کمیته‌های همسایگی نامه‌ای دریافت می‌کردند که حاوی توضیحات و تأییدات درباره دلایل درخواست طلاق بود. در نتیجه، افرادی که نمی‌خواستند شخصیت اصلی داستان‌های همسایه‌ها و یا موضوع غیبت و حتی توهین‌های آشنایان باشند، ترجیح می‌دادند به زندگی مشترکی که مطبوعشان نبود ادامه دهند. اما در قانون جدید اگر زوجین بر سر تقسیم اموال و حضانت فرزندان توافق داشته باشند، می‌توانند در چند دقیقه و بدون دخالت همکاران یا همسایه‌ها از هم جدا شوند.

اصلاحات سال ۲۰۰۳ تنها موارد اصلاحی عمده در قانون خانواده در چین نبوده است. در ۱۹۵۰ اصلاحاتی انجام شد که براساس آن طلاق تنها در زمانی روی می‌داد که پدرمینی و مشاوره پیش از دادگاه برای ادامه زندگی مشترک جواب ندهد. در سال ۱۹۸۱ اصلاحات دیگری انجام شد که به‌موجب آن در صورت مخالفت یکی از طرفین با طلاق، طرف دیگر باید شواهدی مبنی بر خیانت، خشونت خانوادگی یا اعتیاد به مواد مخدر و قمار ارائه دهد.

در آخرین اصلاحیه قانون خانواده در سال ۲۰۰۳، به یک پدیده شوم اجتماعی که موجب بالا رفتن آمار طلاق در چین شده بود نیز پرداخته شده است. در سال‌های اخیر عده‌ای از مردانی که درآمدهای بالایی را با توجه به رشد اقتصادی کسب کرده‌اند، با رشوه‌دادن به مسئولان محلی، دختران جوان را به‌عنوان همسر دوم در اختیار می‌گرفتند. تحت این شرایط، حقوق زنان، چه همسر مرد و چه زنی که با پول به زندگی مشترک با مرد تن داده، پایمال می‌شد اما در قانون جدید به این مسئله پرداخته شده و هر فرد متأهلی که با شخص مجردی از جنس مخالف زندگی مشترک داشته باشد، به دلیل اقدام به «چندهمسری» مجرم شناخته شده و جریمه می‌شود. فردی هم که به‌عنوان همسر دوم وارد زندگی افراد دیگر شود، به‌عنوان «نفر سوم»، با جریمه احتمالی روبه‌رو خواهد شد.

شرایط درخواست طلاق

طلاق در شرایطی روی خواهد داد که زن و شوهر هر دو خواستار انجام آن باشند. زن و شوهر باید درخواست طلاق را به اداره ثبت ازدواج ارائه دهند. این اداره نیز پس از اطمینان از تمایل دوطرف به انجام آن و همچنین اطمینان از توافق دقیق دو طرف در مورد فرزندان و دارایی‌هایشان، طلاق را جاری می‌کند. البته در شرایطی که دو طرف درخواست مشترک طلاق را ارائه داده باشند، شاید بازهم اداره ثبت برای میانجی‌گری اقدام کند. در شرایطی که دادگاه مردم اقدام به میانجی‌گری کند اما دوطرف کماکان علاقه‌ای به زندگی مشترک نداشته باشند، طلاق جاری خواهد شد.

در درخواست طلاق می‌توان این موارد را ذکر کرد: یکی از طرفین یا هردوی آنها با شخص دیگری رابطه جنسی داشته باشد؛ خشونت خانوادگی یا آزار و اذیت یا ترک خانه از طرف هریک از زوجین روی دهد؛ هریک از زوجین اعتیاد به قمار، مواد مخدر و دیگر رفتارهای تبه‌کارانه داشته باشند و پس از تکرار هشدار از طرف همسر خود، اقدام به ترک اعمال خود نکند؛ زوجین به دلیل نداشتن علاقه به یکدیگر، برای مدت دو سال جدا از یکدیگر زندگی کرده باشند. در صورتی که هر یک از موارد بالا به اثبات برسد و میانجی‌گری نیز نتیجه ندهد، طلاق انجام می‌شود. از نظر قانونی مواردی وجود دارد که شوهر برای مدت زمانی مشخصی نمی‌تواند درخواست طلاق بدهد: در شرایطی که زن حامله است، کمتر از یک‌سال از تولد فرزند گذشته، و یا پیش از پایان شش‌ماه پس از سقط جنین، این محدودیت برای زن وجود ندارد.

حضانت

براساس قانون چین، رابطه بین فرزند و والدین به دلیل طلاق قطع نمی‌شود. مهم نیست که حمایت مستقیم پس از طلاق از سوی کدام‌یک از والدین انجام می‌شود و رابطه فرزند و والدین به معنی پیشین باقی می‌ماند. پدر و مادر پس از طلاق هم حقوق و مسئولیت‌هایشان در قبال پرورش فرزندان را برعهده خواهند داشت.

اگر پس از طلاق مسئولیت نگهداری از فرزندان تنها به یکی از والدین واگذار شود، همسر سابق وی باید بخشی یا کل هزینه‌های نگهداری از فرزندان را بپردازد. درباره مقدار این هزینه نیز اگر توافقی پیش از طلاق وجود داشته باشد، به تأیید دادگاه می‌رسد، وگرنه دادگاه مردم در این باره تصمیم خواهد گرفت. حق ملاقات با فرزند برای والدی که مسئولیت نگهداری از آنها را برعهده ندارد، محفوظ است. چگونگی و زمان این دیدارها در توافق طرفین یا رأی دادگاه مردم تعیین می‌شود.

برچسب ها : طلاق ، طلاق در کشورهای دیگر



این مطلب را در شبکه های اجتماعی به اشتراک بگذارید :

نظر شما

نظرات پس از تأیید نمایش داده می شوند. نظرات ارسالی نباید حاوی عبارات نامناسب، توهین به نظام یا مقدسات و یا دارای بار حقوقی باشند.



نام و نام خانوادگی :

ایمیل :

نظر :

کد امنیتی :



لطفا عدد

چهاررقمی بالا را درون کادر وارد نمایید

ارسال نظر

کلیه حقوق این وب سایت محفوظ و متعلق به ماهنامه سپیده‌دانی است.

تمامی کالاها و خدمات این فروشگاه حسب مورد دارای مجوزهای لازم از مراجع مربوطه می باشند و فعالیت این سایت تابع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است.

